



در حال فیلمبرداری در دمای منفی سی درجه، اردوگاه زمستانی تیپ ۶۵ نیروهای ویژه هوای ارتش، امامزاده هاشم

«منفی ۳۸ درجه» هم وقتی که پخش شد، آن چند نفری که ماجرا را توضیح می‌دادند در مستند، با خانواده‌هایشان برای اکران مستند دعوت شده بودند. دختر یکی‌شان آمد، گریه می‌کرد؛ گفت که من می‌دانستم بابام کار مهمی می‌کند ولی نمی‌دانستم اینقدر قهرمان است، حالا یک جور دیگر به پدرم نگاه می‌کنم و یک جور دیگری دوستش دارم. این بازخوردها، حس خیلی خوبی است که من را واقعاً دلگرم می‌کند.

بازگویی بازخوردها نسبت به یک مستند هم خودش موضوعیت دارد چون نشان می‌دهد که اگر یک مستندساز وارد موضوعات واقعاً مهمی بشود، گرچه سختی دارد اما وقتی کارش را به درستی بتواند انجام بدهد، چه تأثیرات مثبتی را از لحاظ اجتماعی خواهد دید. باروایت اینها، انتقادهایی که درباره عدم حضور جدی آدم‌ها در روایت پیشرفت می‌شود هم معنا پیدایمی‌کند.

پس یکی‌دیگر هم بگویم؛ مستند «خشب‌های خالی» که اکران شده بود، پیشکسوت‌های کلاه سبز آمدند دیدند. از تیمسار «بیژن پارسا» هم دعوت کرده بودم برای اکران؛ ایشان از تکاورهای قدیمی ارتش است که صدام برای سر ایشان جایزه تعیین کرده بود در زمان جنگ. پخش مستند که تمام شد، دیدم که ایشان دارند گریه می‌کنند؛ خیلی احساساتی شده بودند. در ارتش الان دیگر به تیمسار می‌گویند امیر. گفتم امیر چی شده؟ چرا دارید گریه می‌کنید؟ گفت دستت درد نکند برایت خیلی دعا می‌کنم. گفتم من که کاری نکردم، کار را شما

کردید که ۸ سال جنگیدید، زمان انقلاب تلاش کردید و بعد از آن در کردستان و منطقه غرب بودید و تا دهه ۸۰ شما درگیری داشتید آنجا. یک جمله خیلی اثرگذاری گفت به من که هر وقت بهش فکر می‌کنم حس خاصی بهم دست می‌دهد. گفت: «من خیلی کارها کردم، خیلی جاها رفتم و جنگیدم، ولی تو کار ناتمام من را تمام کردی!» این یعنی چی؟ یعنی من مستندساز چقدر مسئولیت سنگینی روی دو شوم هست. خیلی از ارتشی‌های بازنشسته، به اشکال مختلف و با واسطه فرزندان‌شان در فضای مجازی، خوشحالی‌شان را از پخش مستندهایم نشان داده‌اند و گفته‌اند اینها یک «روایت درست» از بچه‌های ارتش است.

”

دختر یکی‌شان آمد، گریه می‌کرد؛ گفت که من می‌دانستم بابام کار مهمی می‌کند ولی نمیدانستم اینقدر قهرمان است، حالا یک جور دیگر به پدرم نگاه می‌کنم و یک جور دیگری دوستش دارم. این بازخوردها، حس خیلی خوبی است که من را واقعاً دلگرم می‌کند

◀ درست منظورشان چی است؟ طبیعی؟

یعنی بدون تحریف. درست روایت شدن می‌دانید یعنی چی؟ یعنی تحقیق و پژوهش زیادی پشت اثر باشد. مثلاً من به خودم می‌گفتم الان داری پیش‌مرگان عرب را می‌سازی، خاطره کجا نوشته شده است؟ سندت کو؟ مدرک کو؟ من می‌رفتم می‌گشتم، تحقیق میدانی می‌کردم. مدارک ارتش را زیر و رو می‌کردم، کتاب‌ها را می‌خواندم تا نفر را پیدا کنم. یکی دیگر از ویژگی درست روایت کردن، قصه داشتن است. برخی فکر می‌کنند که مستند یعنی یک گزارش کش‌دار. مستند باید قصه داشته باشد نه اینکه شعار بدهد. ایده‌آل یک مستند آن است که به داستان نزدیک شود و ایده‌آل یک داستان این است که به مستند نزدیک باشد. متأسفانه بسیاری از کارهای ما قصه ندارد؛ نه در موضوع مادران شهید، نه بحث طلاق، نه اعتیاد و...